

دوم بیشتر و جاذبه آن هم برای دانش آموزان بیشتر است. با توجه به سه ساعت تدریس در پایه دوم، بهتر است ساعات تدریس پایه اول سه ساعت و پایه دوم چهار ساعت باشد. طهماسبی: بنده در پایه اول تدریس کرده‌ام. با عنایت به چهار ساعت تدریس، کتاب محتوای لازم را ندارد. برای مثال خوب است، در درس توحید، صفات ثبوتی و صفات سلبی خداوند واضح و شفاف تشریح می‌شد. شعر سعدی هم که برای بیان این صفات آمده، به دلیل ویژگی شعر، گذرا گفته و رد شده است. بچه‌ها در بحبوحه بلوغ، باید توحید را بهتر بشناسند. دو درس ۱۴ (همدلی و همراهی) و ۱۵ (ادب دوستی) در کتاب پایه اول بسیار آسان‌اند. خوب است این دو با هم ادغام شوند. درس پنزدهم، تنها درسی است که حتی یک آیه از قرآن ندارد. رودبارانی: بنده کتاب پایه اول را تدریس نمی‌کنم اما با توجه به ارتباطی که با همکاران دارم، می‌توانم بگویم، خوب است از چهار ساعت تدریس در پایه اول، یک ساعت

طبق قرار قبلی، با هدف گفت‌وگو به اداره کل آموزش و پرورش استان مرکزی در شهر اراک و خدمت همکاران محترمی رسیدیم که هریک از آن‌ها سابقه ممتدی در تدریس، به‌ویژه در درس قرآن و تعلیمات دینی دارند. در این گفت‌وگو خانم‌ها زهرا طهماسبی (سرگروه دینی و قرآن در استان مرکزی)، مژگان شفیعی‌پور، اعظم رودبارانی، و آقایان حسین بابائی‌نیا و عیسی بهرامی (دبیر دبیرستان) حضور یافتند و نظرات انتقادی و اصلاحی خود را با هدف بهبود کیفیت متن درس‌های کتاب سال دوم دبیرستان و بهره‌وری بیشتر در تدریس، با ما در میان گذاشتند که اینک خدمت شما تقدیم می‌شود.

خدمت همکاران محترم عرض کنیم که کتاب دینی و قرآن پایه دوم متوسطه مرکز نقل گفت‌وگوی ما را می‌سازد. قبل از اینکه وارد موضوع اصلی شویم که به کتاب سال دوم دبیرستان منحصر می‌شود، به‌عنوان پیش‌درآمد گفت‌وگو، اگر درباره کتاب دینی و قرآن سال اول دبیرستان نظری دارید، بفرمایید.

شفیعی‌پور: بنده امسال در کلاس اول دبیرستان این درس را ندارم اما طبق گفته‌های دیگر همکاران، در کتاب پایه اول آیاتی هست که زیاد با هم انطباق ندارند. چهار ساعتی که برای تدریس در این پایه قرار داده‌اند، به دلیل آسان بودن درس‌ها، زیاد است. محتوای کتاب پایه

تلفیق یا تفکیک؛ مسئله این است!

دبیران استان مرکزی در گفت‌وگو بارشده آموزش قرآن

مهدی مروجی
رمضانعلی ابراهیم‌زاده گرجی



به روخوانی قرآن اختصاص دارد. زیرا در پایه‌های بالاتر بچه‌ها در روخوانی ضعف دارند و همین ضعف سبب شده است تا زمزمه جدایی درس قرآن از درس تعلیمات دینی شنیده شود. حرف‌های خواهرم، خانم طهماسبی نیز به این موضوع ارتباط می‌یابد. در این کتاب بحث‌های عملی و کاربردی خیلی کم‌اند؛ مانند موضوع‌های اخلاقی، مواجهه شدن با مسائل اجتماعی، نوع رفتار با والدین، چگونگی رفتار با جنس مخالف که این موردها در کتاب جایی ندارند و موضوع‌های دیگر هم خیلی کم هستند.

بابائی‌نیا: بنده ۳۲ سال سابقه تدریس دارم. لذا خواهش می‌کنم مؤلفان محترم به نکاتی که در این جلسه گفته می‌شود، عنایت کنند. در کتاب پایه اول اغلاط املائی وجود دارد. در کتاب پیش‌دانشگاهی نیز غلط املائی دیده می‌شود که بسیار بد است و دانش‌آموز با طعنه و طنز با آن برخورد می‌کند و معلم هم نمی‌تواند آن را توجیه کند. در کتاب پایه اول، نشانی آیات درست نیامده بود که البته بعد آن را اصلاح کردند. باید در تدوین کتاب قرآن و دینی، امانت‌داری را رعایت کرد. چه‌طور؟ برای مثال، اگر می‌خواهیم بخشی از یک آیه را نقل می‌کنیم، لازم است ابتدای آن سه نقطه را بگذاریم یا در صورت لزوم، ابتدا و انتهای آن سه نقطه بگذاریم تا مشخص شود، آنچه آمده، تمام آیه نیست.

نکته دیگر قابل یادآوری این است که اگر از ما بپرسند، کتاب قرآن و دینی اول دبیرستان درباره چیست، چه پاسخی داریم؟ همین پرسش را می‌توان درباره کتاب‌های پایه دیگر مطرح کرد.

ع در ابتدای کتاب، ذیل «سخنی با دانش‌آموزان» آمده است.

بابائی‌نیا: پراکنده چیزهایی دارد؛ مثل «آمادگی در اندیشه و قلب»، «آهنگ سفر» و «قدم در راه» و شکل‌هایی هم کشیده‌اند، ولی چه می‌خواهد بگوید؟ باید بدانیم هندسه کتاب چیست تا رعایت اصول مربوط لازم شود. باید هدف‌های کتاب به‌طور واضح بیان شوند.

همکار محترم خانم رودبارانی، فرمودند درباره رفتار با والدین نکته‌ای در کتاب نیست، اما در درس ۱۲ (صفحه ۱۱۹)، آیه ۲۳ از سوره «اسراء» مربوط به والدین است: «و قضی ربک الا تعبدوا الا اياه و بالوالدین احسانا اما یبلغن عندک الکبر احدثهما او کلاهما فلا تقل لهما اف و لا تنهرهما و قل لهما قولا کریماً». اما حرف درستی زدند که مباحث اخلاقی به‌طور کلی در کتاب‌ها کم هستند، در حالی که رسول خدا (ص) فرمودند: «نبی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق»، و قرآن می‌فرماید: «و انک لعلی خلق عظیم» (قلم/ ۴)

پیغمبر خدا (ص)، اصلاً معلم اخلاق است. اگر در کشور

اخلاق رعایت نشود، روی پیشرفت را نخواهد دید.
ع اکنون پرسش‌ها را درباره کتاب پایه دوم با دوستان در میان می‌گذاریم. اگر شما مؤلف کتاب قرآن و دینی کلاس دوم دبیرستان بودید، از مجموع عنوان‌های اصلی کتاب چه عنوان‌هایی را حذف می‌کردید و چه عنوان‌هایی را می‌افزودید؟ چرا؟

شفیع‌پور: درس چهارم کتاب پایه دوم، یعنی آنچه در باب «ثبات شخصیت» گفته شده، مبهم است. زیرا وقتی بچه‌ها به پیش‌دانشگاهی می‌رسند، دچار تناقض می‌شوند. در این درس می‌توان تغییراتی به‌وجود آورد. از جمله تصریح کرد که روح آدمی نیز قابلیت تغییر دارد و ممکن است انسان کافر، مؤمن شود و به عکس.

در درس دهم با عنوان «اعتماد بر او»، آیات منتخب با محتوای درس هماهنگی ندارند یا این هماهنگی خیلی کم است. آیه ۱۵۹ از سوره «آل عمران» بیشتر به ویژگی‌های حکومت اسلامی مربوط می‌شود. برای این درس بهتر بود از آیات سوره «شوری» استفاده می‌کردند.

در درس یازدهم، با عنوان «دوستی با حق»، بهتر بود آیه ۴۷ سوره «سبا» را می‌آوردند: «قل ما سالتکم من اجر فهو لکم ان اجری الا علی الله و هو علی کل شیء شهید»، یا آیه ۲۳ از سوره شوری را: «... قل لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی...» آیات ۳۲ و ۳۳ سوره «اعراف» هم در درس دوازدهم، با عنوان «فضیلت آراستگی»، و هم در معارف آمده‌اند و درباره حقیقت معادند. وقتی بچه‌ها به پیش‌دانشگاهی می‌رسند، می‌گویند ما این آیات را درباره فضیلت آراستگی خوانده‌ایم. بهتر است در این درس از سخنان رسول خدا (ص) و سخن امامان (ع) نیز درباره آراستگی بیاوریم.

درس سیزدهم، با عنوان «زیبایی عفاف» خیلی مختصر است. در این درس هیچ تعریفی از حجاب و عفاف و حیا نداریم و درباره ارتباط حجاب و عفاف و حیا نیز مطلبی نیامده است.

طهماسبی: دانش‌آموزان کتاب دینی و قرآن پایه دوم را شیرین‌ترین و جذاب‌ترین کتاب می‌دانند. هنگام تدریس هم دوست دارند به حرف‌های معلم گوش کنند.

ع با آنچه گفتید، آیا این کتاب سبب ترغیب دانش‌آموزان برای رجوع بیشتر به قرآن می‌شود؟

طهماسبی: در کلاس من این اتفاق افتاده است، زیرا کتاب با اهداف مرتبط به هم تدوین شده است و دانش‌آموز سرگردان نمی‌شود. ترتیب اهداف کتاب چنین است: اینکه خدای حکیم جهان را آفرید، بیان هدف از آفرینش، اینکه کل خلقت به سوی خدا می‌رود، انسان نیز یکی از مخلوقات است ولی رفتن وی به سوی خداوند با دیگر موجودات متفاوت است، دلیل تفاوت به ویژگی‌های انسان باز می‌گردد

درباره رفتار با والدین نکته‌ای در کتاب نیست، اما در درس ۱۲ (صفحه ۱۱۹)، آیه ۲۳ از سوره «اسراء» مربوط به والدین است: «و قضی ربک الا تعبدوا الا اياه و بالوالدین احسانا اما یبلغن عندک الکبر احدثهما او کلاهما فلا تقل لهما اف و لا تنهرهما و قل لهما قولا کریماً»

برخی از این ترجمه‌ها تحت اللفظی اند. بچه‌ها هم که می‌خواهند ترجمه کنند، از روی قرآن‌های متفاوت این کار را می‌کنند که نتیجه گوناگون می‌شود. به‌نظرم بهتر است این کار را دفتر تألیف انجام بدهد و از یک ترجمه هم استفاده کند



و این ویژگی‌ها وی را از موجودات دیگر جدا می‌کند. این ویژگی به بُعد مادی انسان مربوط نمی‌شود بلکه حقیقتی فراتر از جسم دارد.

همین‌طور در ادامه، تأثیر ویژگی‌های منحصر به فرد انسان در عاقبت او بیان می‌شود (معادشناسی) و بعد اثبات لزوم معاد و اثبات عقلانی دیدگاه اسلام بر اساس عظمت و عدل خداوند می‌آید. خوشبختانه آیات مربوط هم پشت سر هم و با توالی قرار گرفته‌اند.

اینجا یک نکته را باید اضافه کنیم؛ دانش‌آموزان به من گفتند که وقتی درس دهم، «درباره بهشت و جهنم» را می‌خوانیم، احساس می‌کنیم در درس جای موضوع اسباب و علل ورود به بهشت و جهنم خالی است. بنده این موارد را از «تفسیر موضوعی قرآن»، جلد پنجم، معاد در قرآن، تألیف حضرت آیت‌الله جوادی آملی استخراج کرده‌ام که در آن علت‌ها همراه با آیات مربوط آمده است.

باید یادآوری کنم که بهتر است آیات کتاب با ترجمه و تفسیر همراه باشند. ترجمه تحت‌اللفظی گویا نیست. این نکته هم اهمیت دارد که ترجمه‌ها باید در تمام پایه‌ها یکنواخت باشند تا دانش‌آموز با آن‌ها خوب‌گیرد و در امتحان و کنکور نماند. در بخش پیام آیات نیز باید این یکنواختی رعایت شود.

آیا بخش ترجمه آیات به دانش‌آموز کمک نمی‌کند؟
طهماسبی: برخی از این ترجمه‌ها تحت‌اللفظی اند. بچه‌ها هم که می‌خواهند ترجمه کنند، از روی قرآن‌های متفاوت این کار را می‌کنند که نتیجه گوناگون می‌شود. به‌نظرم بهتر است این کار را دفتر تألیف انجام بدهد و از یک ترجمه هم استفاده کند. به تمام همکاران هم اعلام شود که از فلان ترجمه استفاده شده است تا بتوان به آن رجوع کرد.

آیا اشکالی دارد که دانش‌آموزان با بهره‌گیری از لغات ترجمه شده خودشان این کار را بکنند؟

طهماسبی: نه، ولی دیدم که بچه‌ها در کنکور دچار مشکل می‌شوند. زیرا آنجا به جواب مشخص نیاز داریم که یکنواخت هم باشد و همان در تست کنکور بیاید. در وضع کنونی، اختلاف در ترجمه‌ها شاید سبب شود دانش‌آموزان گمان کنند که قرآن قابلیت ندارد از آن مطالب تستی استخراج کرد و همین سبب دل‌سردی‌شان شود.

رودبارانی: به آنچه همکاران فرمودند، نکته‌ای را اضافه می‌کنم. دانش‌آموزان می‌گویند آیاتی که در کتاب پایه دوم آمده، به جای بشارت، به ما انذار می‌دهد و ما را فقط از قیامت می‌ترساند. باید در انتخاب آیات دقت کرد که بشارت بیشتر باشد تا سبب جذب شود. در نظرخواهی‌ای که روزهای اخیر کرده‌ام، دانش‌آموزان گفتند اینکه در کتاب این نوع رفتار فقط انذار باشد، دافعه ایجاد می‌کند.

وقتی آیات منتخب کتاب چنین است، همکاران وظیفه دارند آیات بشارت را هم برای دانش‌آموزان بخوانند تا جاذبه بیشتر شود. اما به‌طور کلی، کتاب پایه دوم، خیلی بهتر از

کتاب‌های پایه سوم و پیش‌دانشگاهی است. هم جذاب‌تر و هم پرمحتواتر است. اگر به آنچه دانش‌آموزان درباره آیات بشارت و انذار اشاره کرده‌اند، توجه شود، خیلی خوب است. خودم به این موضوع توجه نکرده بودم.

بابائی‌نیا: با سخن خانم رودبارانی موافقم. در درس اول و دوم این کتاب، از صفحه‌های ۹ و ۱۰. تصویر ترکیبات شیمی آمده است که بنده در بیان آن‌ها برای دانش‌آموز در می‌مانم. به‌ویژه که دانش‌آموزان دارند شیمی و فیزیک می‌خوانند، ولی بنده که سالیان پیش خوانده‌ام، زیاد به یاد ندارم. اگر هم برای مثال درباره جدول صفحه ۱۰ پرسند، به‌عنوان معلم جرئت ندارم چیزی بگویم اما دانش‌آموز انتظار دارد از معلم نکات تازه‌ای بشنود.

در کتاب «راهنمای معلم» می‌توان آن را تشریح کرد که این کار شده است.

بابائی‌نیا: باید در حد فهم عمومی معلمان باشد، تا همه بتوانند آن را به زبان خود بیان دارند. امیدوارم این نوع مشکلات حداقل در کتاب «راهنمای معلم» حل شود.

بفرمایید آیا آیات موجود در هر درس به فهم متن کمک می‌کنند؟ آیا توالی موجود آیات در هر درس درست است؟

بابائی‌نیا: هم توالی دارند و هم به فهم متن درس کمک می‌کنند؛ گرچه این دو ویژگی عمومیت ندارند اما دو درس اول و دوم، یعنی «جلوه‌های حکمت و تدبیر» و «با کاروان هستی»، با درس بعدی ارتباطی ندارند. با توجه به موضوع درس‌ها باید این ارتباط برقرار و حفظ شود.

شفیع‌پور: آیات درس سیزدهم با محتوای درس هماهنگی دارند ولی این هماهنگی بسیار مختصر است. در درس‌های دیگر آیات گزیده با توالی آمده‌اند و هماهنگی هم دارند.

مؤلفان در ابتدای کتاب خطاب به دانش‌آموزان نوشته‌اند: «این کتاب به گونه‌ای نوشته شده است که در آموختن آن، حضور فعال و پویا داشته باشید، توان فکری خود را به کار بگیرید، احساس خویش را بیان کنید، خلاقیت‌های ادبی و هنری خود را نشان دهید و بالاخره مطابق موقعیت و سلیقه خویش برنامه‌ریزی کنید.» به‌نظر شما که به صورت مستقیم با دانش‌آموزان سروکار دارید، آیا چنین هدف‌هایی تحقق می‌یابند؟

طهماسبی: این فرصت را کتاب فراهم می‌کند و ظرفیت تحقق آن را هم دارد ولی تنوع آیات خیلی زیاد است. خوب است حداکثر دو آیه را برای کار بچه‌ها مقرر کنیم؛ زیرا حجم زیاد آیات سبب خستگی بچه‌ها می‌شود و آن‌ها را از مشارکت در کار باز می‌دارد. برای مثال، در صفحه ۶۷ ذیل «تدبیر در آیات» درباره موضوع «معاد جسمانی»، شش آیه از چهار سوره مطرح شده است که زیاد است. اکثر دانش‌آموزان اگر بخواهند مطلب را یاد بگیرند، در همان مورد اول می‌مانند.

رودبارانی: در اینجا مؤلفان مجبورند آیات متفاوت را از چند سوره طرح کنند؛ زیرا اگر یکی از این آیات نیاید، استدلال قرآن کریم بر معاد جسمانی ناقص می‌ماند و به نتیجه لازم نمی‌رسیم.

بابائی‌نیا: قبلاً از ما دربارهٔ کم و کیف کتاب سؤال‌هایی شد و ما هم پاسخ دادیم اما کتاب را اصلاح نکردند. خوب است مؤلفان به حرف‌ها معلم‌ها توجه کنند. در صفحه ۴۶ ذیل «ذکر نمونه‌ها» این پرسش آمده است: «در سوره یوسف چهار رؤیای صادقانه نقل شده است. دو مورد آن را بیان کنید و بگویید تعبیر این خواب‌ها چه بود و چه کسانی آن‌ها را تعبیر کردند؟»

شفیع پور: در صفحه ۱۲۰، ذیل «بیشتر بدانیم»، متنی با عنوان «محبت با معرفت» آمده است که ادامهٔ درس دهم، «دوستی با حق» است. پیشنهاد می‌کنم این بخش به متن اصلی درس اضافه شود که مفیدتر است. در وضعیت کنونی، دانش‌آموزان به آن توجه ندارند، زیرا «محبت بدون معرفت» سر از وادی خرافات در می‌آورد.

آیا کتاب قرآن و دینی پایهٔ دوم، این امکان را فراهم می‌آورد که دانش‌آموز برای مطالعهٔ بیشتر به قرآن کریم رجوع کند؟

طهماسبی: به‌نظر من محتوای کتاب می‌تواند مشوقی باشد تا بچه‌ها به قرآن رجوع کنند، اما در کلاس فرصتی برای قرائت آیات نداریم. به‌ویژه که بچه‌ها در روخوانی قرآن هم مشکل دارند. زمانی که از دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی، امتحان روخوانی می‌گرفتم، حتی در روخوانی ساده مشکل داشتند. باید روخوانی را در برنامهٔ درسی دورهٔ راهنمایی گنجانند تا در دورهٔ دبیرستان این مشکل برطرف شده باشد. در دبیرستان چنین وقتی نداریم و کتاب هم چنین فرصتی را به معلم نمی‌دهد.

شفیع پور: با نظر خانم طهماسبی موافقم. کار ترجمه را هم باید از دورهٔ راهنمایی آغاز کنیم تا در دبیرستان مسلط شوند. برخی از دانش‌آموزان می‌توانند آیات کتاب را ترجمه کنند، ولی اگر ترجمهٔ آیات نماز را بپرسیم، بلد نیستند.

رودبارانی: آموزش و پرورش باید این برنامه را اجرایی کند. خوشبختانه از زمانی که کار را از پایه شروع کرده‌اند، دانش‌آموزان ابتدایی دارند روخوانی را خوب یاد می‌گیرند. به همین دلیل ممکن است دانش‌آموز ابتدایی بتواند بهتر از دانش‌آموز پیش‌دانشگاهی قرآن را بخواند. در دورهٔ راهنمایی هم تا حدی تجوید و ترجمه را یاد می‌گیرد.

اما دانش‌آموزانی که اکنون در دبیرستان هستند، هیچ‌کدام با چنین برنامه‌ای بالا نیامده‌اند؛ لذا هم در روخوانی و هم در ترجمه ضعیف‌اند. همکاران هم نمی‌توانند روخوانی کار کنند؛ زیرا از برنامهٔ اصلی درس و کتاب باز می‌مانند. ما باید در دورهٔ دبیرستان به محتوای کتاب بپردازیم تا دانش‌آموز از کنکور نماند.

ضعف روخوانی سبب شد که برخی از همکاران پیشنهاد کنند یک ساعت خاص به روخوانی قرآن در دبیرستان اختصاص داده شود.

بابائی‌نیا: همهٔ آیات قرآن برای ترغیب آدمی آمده‌اند، اما اینکه آیات منتخب کتاب و محتوای آن سبب شود دانش‌آموزان به قرآن رجوع کنند، من ندیده‌ام. در صفحه‌های ۸۸ و ۸۹، ترجمهٔ چند آیه در متن آمده است، اما نشانی آیات را در پانویس قرار داده‌اند. به نظر من اگر همین آیات را در قسمت «اندیشه و تحقیق» به‌عنوان سؤال می‌آوردند تا دانش‌آموز برود دربارهٔ آن‌ها تحقیق کند، بهتر بود. دانش‌آموز می‌رفت به قرآن مراجعه می‌کرد و نتایجی را که از آیات می‌فهمید، می‌نوشت و بیان می‌کرد. در کتاب پایهٔ دوم از این روش کم استفاده شده است. در حالی که این روش می‌تواند راهی باشد برای رجوع دانش‌آموز به قرآن.

اگر درس قرآن را از درس دینی جدا کنند، برخی مشکلات، از جمله مشکل روخوانی حل می‌شوند؟ یعنی از دورهٔ تلفیق کنونی باز گردیم به دورهٔ تفکیک.

طهماسبی: می‌شود این کار را کرد، به شرط اینکه درس قرآن را دبیر متخصص به عهده بگیرد، نه اینکه با درس قرآن وقت‌های خالی را پر کنند. مثلاً دبیر فیزیک به دو ساعت کلاس نیاز داشته باشد و او را به کلاس قرآن بفرستند. به این ترتیب، مشکلی حل نمی‌شود و وضع کنونی از آن بهتر است.

شفیع پور: بنده هم همین نظر را دارم. **بابائی‌نیا:** بازگشت به برنامهٔ تفکیک، یعنی بازگشت به مشکل گذشته. زیرا در دورهٔ تفکیک درس دینی راه خودش را می‌رفت و درس قرآن هم در وادی دیگری جریان داشت و ارتباطی بین آن‌ها نبود اما اکنون که به اصطلاح دورهٔ تلفیق است، آیات مشخصی منطبق با موضوع درس انتخاب می‌شوند. البته می‌توان نارسایی‌های موجود را رفع کرد. تلفیق این معنی را می‌رساند که «دینی و قرآن» جدایی‌ناپذیرند: «قل ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین» (انعام/ ۶۲). بنده معتقد نیستم که دانش‌آموزان دبیرستان قادر به خواندن قرآن نیستند. به این علت که روخوانی تکرار نمی‌شود، از یادشان می‌رود. همهٔ ما انگلیسی خوانده‌ایم اما الان نمی‌توانیم تمام یک متن را درست بخوانیم؛ زیرا تمرین نکرده‌ایم. اینکه از امام صادق (ع) نقل شده است، روزی ۵۰ آیه قرآن بخوانید، بدون حکمت نیست. یک حکمت آن فراموش نکردن است.

رودبارانی: باید چه کار کرد که دانش‌آموز به قرائت قرآن عادت کند؟

بابائی‌نیا: دانش‌آموز باید احساس کند، آنچه یاد می‌گیرد، حلال مشکلات وی خواهد بود. آن وقت حتماً به آن مراجعه می‌کند که البته مستلزم یک کار پیگیرانهٔ فرهنگی است.

کار ترجمه را هم باید از دورهٔ راهنمایی آغاز کنیم تا در دبیرستان مسلط شوند. برخی از دانش‌آموزان می‌توانند آیات کتاب را ترجمه کنند، ولی اگر ترجمهٔ آیات نماز را بپرسیم، بلد نیستند



هدف ما در درس دینی و قرآن، این است که دانش آموزان با قرآن انس پیدا کنند



ع درس دینی و قرآن، داعیه سخن شما را دارد. آیا این درس به پرسش‌های وی پاسخ می‌دهد و حسن نیاز به این مفاهیم را در زندگی، در وی برمی‌انگیزد؟

بابائی‌نیا: این کتاب چنین نمی‌کند. در مجموعه چهار کتاب، فقط درس اعجاز قرآن که در کتاب پایه سوم آمده است، تا حدی این کار را می‌کند، ولی آنجا نیز کامل نیست. به‌ویژه که این درس باید در کتاب پایه اول دبیرستان بیاید تا دانش آموز احساس کند، قرآن درس زندگی است. باید درس‌های عملی را در کتاب بیاوریم و همچنین لازم است در درس قرآن از رایانه استفاده شود؛ یعنی کلاس هوشمند باشد. این کار سبب علاقه دانش آموز می‌شود.

ع آیات قرآنی همه زیبا و باجاذبه‌اند اما ما داریم درباره کتاب خاص صحبت می‌کنیم. به نظر شما کدام درس کتاب پایه دوم برای دانش آموزان جذابیت بیشتری دارد؟

بابائی‌نیا: در درس دهم با عنوان «اعتماد بر او»، آیه ۱۵۹ آل عمران آمده است که خیلی روی دانش آموزان تأثیر دارد: «فیمَا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» این آیه به روشنی می‌گوید که اخلاقیات درس عملی رسول خدا (ص) است و واقعاً همه تحت تأثیر قرار می‌گیرند. قبلاً اشتباه بود که همیشه از جنگ‌های رسول خدا (ص) می‌گفتیم. باید این نوع آیات در کتاب بیایند تا مشخص شوند، چرا پیغمبر اسلام (ص) رسول محبت است؛ رسولی که خداوند او را با «خلق عظیم» خطاب می‌کند: «انک لعلى خلق عظیم» (قلم/ ۴)

ع یکی از هدف‌های کتاب ایجاد انس بین قرآن و دانش آموزان است. این هدف تا چه حد جامعه عمل می‌پوشد؟

شفیع پور: درس سوم، با عنوان «سرمایه‌های انسان»، به این امر کمک می‌کند. به‌ویژه آیه ۷۰ سوره اسرا که در کتاب آمده، سبب ارتباط با قرآن می‌شود؛ زیرا بر ارزش انسان در قرآن و نزد خداوند تأکید می‌کند: «و لقد کرّمنا بنی آدم و حملناهم فی البرّ و البحر و رزقناهم من الطّیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً»

وقتی در درس «زیبایی عفاف و حجاب» به این نکته اشاره می‌شود که عزت‌نفس و فضیلت‌های خود را باید با بی‌حجابی از دست ندهید، مفید می‌افتد. همین مثال‌هایی که درباره حضرت مریم (س) و حضرت یوسف (ع) گفته می‌شود، در ایجاد زمینه انس با قرآن تأثیر دارد ولی باید راه تعمیق آن هم فراهم آید.

به‌طور کلی هسته اصلی انس با قرآن در این کتاب وجود دارد و به همین علت کتاب را بچه‌ها دوست دارند. به

عبارت دیگر، آیات و محتوایی که به هم پیوسته باشند، استمرار داشته باشند و با علاقه‌ها و نیازهای دانش آموزان نزدیک باشند، می‌توانند این انس را تقویت کنند.

رودبارانی: کلاس و کتاب بدون شک بر بسیاری از دانش آموزان تأثیر مثبت می‌گذارد، ولی باید به وضع محیط اجتماعی بیرون از مدرسه هم توجه داشت که این تأثیرات را کم‌رنگ می‌کند. ما توجه و علاقه بچه‌ها را در کلاس شاهدیم ولی وقتی از مدرسه خارج می‌شوند، اتفاق دیگری می‌افتد. البته نه برای همه، ولی این نکته واقعیت دارد.

بابائی‌نیا: وقتی آیات ۲۷۸ و ۲۷۹ سوره «بقره» که مربوط به «ربا» است و در صفحه ۱۶۲ آمده، مطرح می‌شود، دانش آموزان واکنش‌های حادی نشان می‌دهند و آن‌ها می‌گویند. وضع بانک‌ها چنین و چنان است. باید این موضوع حداقل در کتاب «راهنمای معلم» به‌خوبی پخته و حل‌جلی شود تا معلم بتواند با اشراف به جمیع جوانب، آن را برای دانش آموزان تشریح و آنان را اقناع کند. الآن می‌گوییم به فتوای مرجع تقلیدتان در رساله‌های عملیه عمل کنید.

ع رجوع به فتوای مرجع تقلید، مشکلی را حل نمی‌کند؛ زیرا همه ما ناچاریم با بانک ارتباط داشته باشیم. از جنبه دیگر، موضوع مقررات بانکی، بحث حکومتی دارد و حاکم زمان (ولی فقیه) طبق نظر کارشناسان یا به اجتهاد خویش، می‌گوید در بانک‌داری اسلامی ربا وجود ندارد و هر عملی، نام خاص خود را دارد. گرچه این وضع مخالفانی هم دارد اما وقتی ولی فقیه به این مقررات اعتراضی ندارد و وجه شرعی و اقتصادی آن را می‌پذیرد، فتاوی مراجع دیگر، تأثیری در جریان عمل ندارد. با این حال، جنبه اقناعی و استدلالی موضوع سر جای خود محفوظ است. لازم هم است به انتقادات، اگر پاسخی هست، داده شود. وگرنه باید مشخص شود آیا بانک بدون ربا داریم یا خیر.

بهرامی: هدف ما در درس دینی و قرآن، این است که دانش آموز با قرآن انس پیدا کنند. اینکه ربا و واکنش دانش آموزان مطرح شد، درست است. به نظر من، موضوع ربا باید در دانشگاه مطرح شود؛ زیرا مخاطبان ما در دبیرستان نمی‌توانند آن را هضم کنند. به جای بحث ربا، باید تأثیر اخلاق در معیشت را بیاوریم که متناسب با سن و سال آنان است. همان‌طور که درس‌های «فضیلت آراستگی» و «دوستی با حق» چنین است. بنده معتقدم که در کتاب دینی و قرآن، با توجه به سه مرحله آن، بین «اندیشه و قلب» و «تقویت عزم و اراده» و بحث برنامه، تناسب چندانی وجود ندارد.

ع مصداقی ذکر بفرمایید
بهرامی: برای مثال، در درس «ولایت فقیه» کتاب پایه

سوم و همین موضوع را در کتاب پایه دوم. مخاطب بین آنچه در جامعه می‌بیند، با آنچه در چارچوب کتاب آمده است، تفاوت می‌بیند و لذا دچار تعارض می‌شود که این تفاوت‌ها ناشی از چیست.

دانش‌آموز می‌گوید: وقتی قرار است خمس و زکات بدهیم، پس مالیات چیست که باید بپردازیم؟ اگر بحث حاکمیتی را مطرح کنیم، ذهن دانش‌آموز نمی‌تواند آن را حل‌جلی کند و بپذیرد. بنابراین، به‌نظر بنده لازم نیست گفته شود و باید آسیب‌شناسی کرد. باید خودشناسی را جدی بگیریم. طرح توحید و معاد بسیار ضروری است. اگر انسان خود را بشناسد، پیش‌درآمدی برای جهان‌شناسی است و مقدمه‌ای می‌شود برای کمال انسان و خداشناسی.

در کتاب پایه دوم بحث خودشناسی ناچیز است. در درس اول این کتاب، می‌خواهیم از جهان‌شناسی به خداشناسی برسیم. خوب لازم است همین‌جا به موضوع خودشناسی توجه لازم بشود.

در بحث بهشت و جهنم، ویژگی‌های هر یک را می‌گوییم، اما از راه‌هایی که به بهشت و جهنم ختم می‌شوند، سخنی در کتاب نیست. با توجه به اینکه دنیا مزرعه آخرت است، پس باید به دانش‌آموز بگوییم که چه راه‌هایی در این دنیا به بهشت و چه راه‌هایی به جهنم ختم می‌شوند.

بزرگ‌ترین درس علم اخلاق، صبر است و در قرآن نیز بسیار روی صبر تأکید می‌شود، چیزی که جامعه ما بدان بسیار نیاز دارد و صبر یکی از راه‌های مهم رسیدن به بهشت است. سعه صدر در جامعه و در خانواده کمتر دیده می‌شود. این موضوع باید در کتاب درسی بیاید.

معلم هم ابزار روزآمدی برای القای درس کتاب در کلاس ندارد. فضای کلاس باید معنوی شود که در این زمینه شخصیت خود معلم و دانش‌وی به همراه صداقت او، خیلی کارآمد است.

برسیم به این پرسش که دوستان درباره جاذبه بصری کتاب که شامل طراحی‌ها، تصویرها، رنگ‌ها و حروف چینی کتاب می‌شود، نظرشان را مطرح کنند.

طهماسبی: جلد کتاب در وضعیت کنونی هیچ جاذبه‌ای ندارد. خوب است با منظره‌ای، تصویری یا طراحی، گیراتر و بامفهوم‌تر می‌شد.

رودبارانی: در صفحه ۱۰۹ طراحی آمده است که هیچ مشخص نیست. در صفحه‌های دیگر هم چنین وضعیتی دیده می‌شود.

طهماسبی: طرحی را که در صفحه ۱۱۲ آمده است، باید با دقت بسیار بررسی کرد تا دریافت که چیست. این‌گونه طراحی برای کتاب دانش‌آموزی مفید نیست.

بابائی‌نیا: کتاب‌صفحه‌های کتاب پیش‌دانشگاهی طراحی‌های هنرمندانه آمده‌اند. این‌گونه طرح‌ها و نقاشی‌ها، خیلی به فهم موضوع درس کمک می‌کنند. دانش‌آموز با دیدن طرح‌ها و نقاشی‌های مذکور، می‌فهمد که درس درباره چیست.

در کتاب پایه دوم هم می‌شود همین کار را کرد. خوب است در کتاب راهنمای معلم طرح‌ها را برای معلم تشریح کرد تا در کلاس بیان کند. الآن متوجه نمی‌شوم، طرح صفحه ۱۰۲ در درس دهم، برای چه هدفی آمده است.

شفیع‌پور: تصویرهایی که در کتاب پایه اول آمده‌اند، جاذبه به‌وجود می‌آورند ولی در این کتاب اصلاً تصویر نیامده است. طرح‌های کتاب پایه دوم نه مطلوب‌اند نه جاذبه دارند. تصویرها در فهم درس به دانش‌آموز کمک می‌کنند.

جمع‌بندی همکاران این است که حداقل طراحی‌های تصویری کتاب مبهم‌اند و در حد ابزاری برای پر کردن کتاب آمده‌اند. وگرنه نه جاذبه دارند و نه به‌عنوان کمک کار و مدرسان برای فهم موضوع‌های درس از آن‌ها بهره گرفته شده است. در نهایت از جاذبه‌های تصویری در کتاب پایه دوم خبری نیست.

بهرامی: بنده هم فقط می‌خواهم این جمله را بگویم که تصویرها مبهم‌اند و هنر در خدمت متن کتاب نیست.

آخرین پرسش ما این است که نظر شما درباره ارزشیابی مستمر و غیرمستمر چیست؟

رودبارانی: ارزشیابی مستمر کمتر مورد توجه است، زیرا روی قرائت و روخوانی در دبیرستان کار نمی‌شود. همکاران وقت این کار را در پایه‌های دوم و سوم ندارند. چهار نمره ارزشیابی پایانی هم برای کسری نمره دانش‌آموز ارفاق می‌شود، بدون اینکه امتحان و آزمون در بسیاری از دبیرستان‌ها برگزار شود. یکی از علت‌های ضعف در روخوانی همین نبود ارزشیابی است. می‌گویند چهار نمره ارزشی ندارد. باید سطح نمره را بالاتر برد.

بهرامی: باید بارم‌بندی را تغییر داد. با توجه به بارم‌بندی کنونی، اگر بخواهیم برای هر غلط مقداری از نمره کم کنیم، از چهار نمره چیزی نمی‌ماند. به‌ویژه چیزی برای دانش‌آموزان ضعیف‌تر نمی‌ماند. باید سطح نمره را بالا ببریم و اگر نمی‌خواهیم محتوای آیات موجود را تغییر بدهیم، حداقل یک جزء از قرآن را مخصوص قرائت در کتاب بگنجانیم و طبق آن نمره را با جزئیات منظور کنیم. البته به‌شرط اینکه بارم‌بندی تغییر کند و نمره از ۲۰ محاسبه شود. این کار برای دانش‌آموزان انگیزه ایجاد می‌کند؛ هم برای دانش‌آموزان مستعد و هم برای دانش‌آموزان ضعیف.

بابائی‌نیا: باید نمره جدا شود. در مورد ارزشیابی گفته شده است، از آیاتی که ترجمه آن‌ها در کتاب آمده است، سؤال نکنید اما برای مثال در صفحه ۳۳ فقط دو جمله از آیه مانده که دانش‌آموز باید ترجمه کند. این مورد سبب می‌شود دانش‌آموز آیات ترجمه شده را کنار بگذارد و به آن‌ها توجه نکند. نباید این آیات را از ارزشیابی حذف کنیم. طهماسبی: در کارنامه باید دو نمره جدا منظور شود و هر نمره از ۲۰ باشد.

خیلی متشکریم. زحمت کشیدید. موفق باشید.

معلم هم ابزار روزآمدی برای القای درس کتاب در کلاس ندارد. فضای کلاس باید معنوی شود که در این زمینه شخصیت خود معلم و دانش‌وی به همراه صداقت او، خیلی کارآمد است

